

بررسی سبک^(۱) شناختی غزلی از خاقانی و حافظ

احمد گلی*

چکیده

غزل یکی از قالبهای روان شعر فارسی است و کمتر شاعری را می‌توان در تاریخ ادبیات یافت که غزل نسروده باشد. قالب غزل بعد از استقلال و جدا شدن از پیکره قصیده و تحوّل شگرفی که در قرن ششم توسط شاعران این دوره در آن ایجاد شد، در طریق تکامل خود سه شیوه و مسیر مبرز داشته است:

۱- شیوه غزل سنایی غزنوی به توسط غزلیات عرفانی و شورانگیز مولوی به کمال رسیده است.

۲- طرز غزل انوری که مبشر غزلیات دلنشین و زیبای سعدی است.

۳- سبک غزل خاقانی که زمینه‌ساز غزلیات رندانه حافظ است. براساس شواهد موجود^(۲) «حافظ پس از سعدی بیش از هر شاعر دیگری به

* دکتر در زبان و ادبیات فارسی.

۱- سبک در لغت به معنی اسلوب، شیوه و گداختن است و در اصطلاح ادبیات عبارت است از روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر (فرهنگ بلاغی - ادبی)

۲- حدود ۱۰ غزل هماهنگ در وزن و قافیه، ۲۰ غزل هماهنگ در وزن و قافیه یا ردیف و تعداد کثیری غزلهای هم وزن یا هماهنگ در قافیه یا ردیف و مضامین و ترکیبات مشترک.

سبک و شیوه سخنوری خاقانی عنایت داشته است»^(۱) در این مقاله غزل خاقانی به مطلع «ای صبحدم ببین به کجا می فرستمت - نزدیک آفتاب وفا می فرستمت» که حافظ آن را با مطلع «ای هدهد صبا به سبا می فرستمت - بنگر که از کجا به کجا می فرستمت» استقبال کرده است، از حیث زبانی، لغوی، نحوی، ادبی و فکری بررسی و تبیین شده است.

در این بررسی دیوان ۲ جلدی خاقانی ویراسته دکتر کزازی و دیوان حافظ تصحیح علامه قزوینی و دکتر قاسم غنی مورد استفاده قرار گرفته است.

غزل خاقانی :

- ۱- ای صبحدم ببین که کجا می فرستمت؟!

نزدیک آفتابِ وفا می فرستمت ؟
- ۲- این سر به مهر نامه بدان مهربان رسان؛

کس را خبر مکن که : کجا می فرستمت
- ۳- تو پرتو صفایی از آن بارگاه اُنس؛

هم سوی بارگاهِ صفا می فرستمت
- ۴- باد صبا دروغزن است و تو راستگوی؛

آنجا به رگم باد صبا می فرستمت
- ۵- زرین قبا زه زن از ابر سحرگهی

کانجا چو پیکِ بسته قبا می فرستمت
- ۶- دستِ هوا، به رشته جان بر، گیره زده است؛

نزد گِره گشای هوا می فرستمت
- ۷- جان یک نفس درنگ ندارد؛ گذشتنی است؛

ورنه، بدین شتاب، چرا می فرستمت؟
- ۸- این دردها که بر دلِ خاقانی آمده است،

یک یک نگر؛ که بهر دوا می فرستمت

غزل حافظ :

- | | |
|--------------------------------------|----------------------------------|
| ۱- ای هدهد صبا به سبا می فرستمت | بنگر که از کجا به کجا می فرستمت |
| ۲- حیفت طایری چو تو در خاکدان غم | ز اینجا باشیان وفا می فرستمت |
| ۳- در راه عشق مرحله قرب و بعد نیست | می بینمت عیان و دعا می فرستمت |
| ۴- هر صبح و شام قافله‌یی از دعای خیر | در صحبت شمال و صبا می فرستمت |
| ۵- تا لشکر غمت نکند ملک دل خراب | جان عزیز خود بنوا می فرستمت |
| ۶- ای غایب از نظر که شدی همنشین دل | می گویمت دعا و ثنا می فرستمت |
| ۷- در روی خود تفرج صنع خدای کن | کائینه خدای نما می فرستمت |
| ۸- تا مطربان زشوق منت آگهی دهند | قول و غزل بساز و نوا می فرستمت |
| ۹- ساقی بیا که هاتف غیمم بمژده گفت | با درد صبر کن که دوا می فرستمت |
| ۱۰- حافظ سرود مجلس ما ذکر خیر تست | بشتاب هان که اسب و قبا می فرستمت |

۱- بررسی غزلها در سطح زبانی (Literally level)

الف - سطح آوایی یا موسیقایی (musical level)

■ غزل خاقانی

۱- موسیقی بیرونی یا وزن: مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن (بحر مضارع مثنی‌اخر مکفوف محذوف)

۲- موسیقی کناری (قافیه و ردیف):

کلمات قافیه: کجا / وفا / صفا / قبا / هوا / چرا / دوا

کلمات قافیه: از نظر دستوری: ۶ بار اسم: وفا، صفا، قبا، هوا، دوا / ۲ بار قید: کجا، چرا

کلمه قافیه در ضمن ابیات زیر تکرار شده است که برجستگی دارد:

تو پرتو صفایی از آن بارگاه انس	هم سوی بارگاه صفا می فرستمت (ب۳)
باد صبا دروغزن است و تو راستگوی	آنجا به رغم باد صبا می فرستمت (ب۴)
ز زین قبا زره زن از ابر سحرگهی	کانجا چو پیک بسته قبا می فرستمت (ب۵)
دست هوا به رشته جان برگره زده است	نزد گر هگشای هوا می فرستمت (ب۶)

قافیه مقید و «آ» حرف روی است. و در غزل آرایه ردالفافیه به کار رفته است. «می فرستمت»

ردیف فعلی است.

۳- موسیقی درونی یا آرایه‌های لفظی :

تکرار مصوّت بلند «آ» در طول ابیات غزل و بسامد «ص، س»، «ب»، «ک»، «ف»، «ت» و «م» در (ب ۱) و همحروفی «س»، «ب»، «ن»، «م» و «ک» در (ب ۲) و تکرار «س، ص»، «ت» و «ر» در (ب ۳) و «س، ص»، «ت»، «د» و «ر» در (ب ۴) و «ز»، «ن»، «س»، «ر»، «ب» در (ب ۵) و «ه»، «ت»، «د»، «گ» در (ب ۶) و «س»، «ن»، «د» در (ب ۷) و «د»، «ک»، «ن» در (ب ۸) به موسیقی غزل وحدت آوایی بخشیده است.

همصدایی : که کجا / بدان مهربان رسان / که کجا / تو پرتو / زره زن از / ابر سحر
تکرار : بارگاره / گره / یک یک /

ردّالعجز علی الصدر : صفا / باد صبا / قبا / هوا

شبه اشتقاق : زرین و زره

قلب کلّ : درد

تخفیف واژگان : کانجا = که آنجا / ورنه = و اگر نه

■ غزل حافظ

۱- موسیقی بیرونی یا وزن : وزن غزل حافظ همان وزن غزل خاقانی است (بحر مضارع مثنی
اخر ب مکفوف محذوف)

۲- موسیقی کناری (قافیه و ردیف) :

کلمات قافیه : سبا / کجا / وفا / دعا / صبا / نوا / ثنا / خدای نما / نوا / دوا / قبا

کلمات قافیه از نظر دستوری : ۸ بار اسم : سبا، وفا، دعا، صبا، نوا، ثنا، دوا و قبا / ۱ بار قید : کجا

۱ بار صفت : خدای نما

کلمه قافیه فقط در حشوبیت ۱ تکرار شده است :

ای هدهد صبا به سبا می فرستمت بنگر که از کجا به کجا می فرستمت

قوافی مشترک با غزل خاقانی : کجا، وفا، صبا، دوا و قبا

قافیه غزل مقید، «آ» رویّ و «می فرستمت» ردیف است.

۳- موسیقی درونی یا آرایه‌های لفظی :

تکرار مصوّت بلند «آ» در همه ابیات غزل و همحروفی «س ر ص»، «ک، ب»، «ر» و «ت» در (ب

۱) و تکرار «ر»، «ط، ت» و «ن» و «ف» در (ب ۲) و «ر»، «ب»، «ع» و «ای»، «ن» در (ب ۳) و

«ص، س»، «ب»، «ت» و «ر» در (ب ۴) و «ت»، «ل» و «ن» در (ب ۵) و «ای»، «د» و «ن» در (ب

۶) و «د»، «خ»، «ای»، «ن» و «ت» در (ب ۷) و «ط، ت» و «ن» در (ب ۸) و «ب»، «ص، س»، «د»، «ک» و «ت» در (ب ۹) و «ت»، «س»، «ب» و «م» در (ب ۱۰) آهنگ غزل را گوشنواز کرده است. همصدایی در کلمات: صبا به سبا / است طایری / چو تو / در راه / قرب و بعد / دعا و ثنا / در روی / قول و غزل / کن که / سرود مجلس / مجلس ما / ذکر خیر.

تکرار: کجا / خدای

سجع متوازی: دعا و ثنا

سجع متوازن: شمال و صبا / عیان و دعا

شبه اشتقاق: صبح و صحبت

جناس مضارع و جناس لفظی: میان صبا و سبا^(۱)

۲- سطح لغوی (Lexical level)

از مجموع ۸۸ کلمه به کار رفته در غزل ۸ بیتی خاقانی ۱۴ واژه آن عربی است حدود ۱۷ درصد. ترکیبات اضافی: آفتاب وفا / پرتو صفا / بارگاه انس / بارگاه صفا / باد صبا / دست هوا / رشته جان / دل خاقانی

ترکیبات وصفی: سر به مهرنامه / زرین قبا (اضافه وصفی مقلوب) پیک بسته قبا / ابر سحرگهی عناصر غزلی: صبحدم / وفا / سر به مهرنامه / مهربان / پرتو صفا / بارگاه انس / بارگاه صفا / باد صبا / پیک / هوا / جان / دل / درد

مختصات سبکی قدیم: نزدیک در معنی نزد: نزدیک آفتاب وفا می فرستمت (ب ۱)

که در معنی تعلیل: کانجا چو پیک بسته قبا می فرستمت (ب ۴)

■ غزل حافظ

- از مجموع ۱۰۲ واژه به کار رفته در غزل ۱۰ بیتی حافظ ۳۶ واژه عربی است حدود ۳۶ درصد. ترکیبات اضافی: هدهد صبا / خاکدان غم / آشیان وفا / راه عشق / مرحله قرب / صحبت شمال / لشکر غم / ملک دل / جان خرد / همنشین دل / روی خود / تفرّج صبح / صنع خدای / هاتف غیب / سرود مجلس

- ترکیبات وصفی: دعای خیر / جان عزیز / آینه خدای نما / ذکر خیر

- عناصر غزلی: هدهد صبا / وفا / عشق / شمال / صبا / غم / دل / جان / نظر / تفرّج / مطربان

/ شوق / قول و غزل / ساز و نوا / ساقی / درد / سرود / مجلس
مختصات سبکی قدیم :

کاربرد «نوا» در معنی گروگان از مختصات سبک خراسانی است .
کاربرد «که» در معنی تعلیل :

در روی خود تفرّج صنع خدای کن کآینه خدای نما می فرستمت (ب ۷)

ساقی بیا که هاتف غییم به مزده گفت با درد صبر کن که دوا می فرستمت (ب ۹)

صحبت در معنی مصاحبت : در صحبت شمال و صبا می فرستمت (ب ۴)

۳- سطح نحوی (Syntactical level)

■ غزل خاقانی

از نظر محور همنشینی جملات معمولاً دستورمند و کوتاه است.

مختصات سبکی قدیم : فعل امر در اکثر موارد به سبک قدیم بدون «ب» آمده است :

این سر به مهرنامه بدان مهربان رسان (برسان) (ب ۲) / زرّین قبا زره زن (بزن) از ابر سحرگهی
(ب ۵)

یک یک نگر (بنگر) که بهر دوا می فرستمت (ب ۸)

- تقدیم صفت بر موصوف : سر به مهرنامه (ب ۲) / زرّین قبا (ب ۵)

و گاهی هم با «ب» استعمال شده است : ای صبحدم بین که کجا می فرستمت (ب ۱)

- استعمال دو حرف اضافه برای یک متمم : دست هوا به رشته جان بر گره زده است (ب ۶)

- صرفه جویی در استعمال حرف (را) به عنوان نشانه مفعولی :

این سر به مهرنامه بدن مهربان رسان (ب ۲) / زرّین قبا زره زن از ابر سحرگهی (ب ۵)

این دردها که بر دل خاقانی آمده است یک یک نگر که بهر دوا می فرستمت (ب ۸)

■ غزل حافظ

از نظر لغوی همانند غزل خاقانی چون ردیف غزل فعلی است در اغلب جملات نظم و ترتیب
دستوری رعایت شده است. اما جملات نسبت به جملات غزل خاقانی طولانی و مرکب است .

مختصات سبکی قدیم :

= تالشکر غمت نکند ملک دل خراب (ب ۵) = دلت

= تا مطربان ز شوق منت آگهی دهند (ب ۸) = دهندت

= ساقی بیا که هاتف غییم به مزده گفت (ب ۹) = گفتم

- کاربرد فعل امر بدون «ب»: در روی خود تفرج صنع خدای کن = بکن (ب ۷)
با درد صبر کن (بکن) که دوا می فرستمت (ب ۹)

- صرفه جویی در استعمال «را»، در ابیات (۴، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۰)

۴- سطح ادبی (Litevary level)

■ غزل خاقانی

الف) هنرهای علم بیان

۱- تشبیه:

- تشبیه بلیغ یا رسا: تو پرتو صفایی از آن بارگاه انس (ب ۳): معشوق به پرتو باصفا و منور مانند شده است.

- تشبیه مضمّر: زرین قبا زره زن از ابر سحرگهی (ب ۵): ابر سحرگهی به زره مانند شده است.
- تشبیه بلیغ یا رسا: دست هوا به رشته جان برگره زده است (ب ۶): جان همانند رشته ای تصوّر شده است.

- تشبیه صریح یا آشکار: کآنجا چو پیک بسته قبا می فرستمت (ب ۵): صبحدم همانند پیک در نظر گرفته شده است.

۲- استعاره:

- استعاره مکنیه یا تشخیص: ای صبحدم که کجا می فرستمت (ب ۱): صبحدم «مستعارله» همانند پیکی است.

باد صبا دروغزن است و تو راستگوی (ب ۴): باد صبا و صبحدم همانند شخصی تصور شده اند.
دست هوا به رشته جان برگره زده است.

۳- کنایه:

آفتاب وفا کنایه صفت ایما از معشوق

بارگاه انس کنایه موصوف ایما از حضرت دوست

گره گشای هوا کنایه ایما از معشوق

ب) هنرهای علم معانی

۱- استفهام به جهت تقریر خبر و هشدار

ای صبحدم بین به کجا می فرستمت؟ (ب ۱)

۲- پرسش از سر تشبیه و عبرت

جان یک نفس درنگ ندارد گذشتنی است / ورنه بدان شتاب چرا می فرستمت؟ (ب ۷)
 ۳- اخبار در بیان هشدار و تأسف

جان یک نفس درنگ ندارد گذشتنی است (ب ۷)

حذف مسند به قرینه لفظی: باد صبا دروغزن است و تو راستگوی [هستی] (ب ۴)

۴- نهی به جهت محرمانه و سرّی بودن پیام: کس را خبر مکن که کجا می فرستمت (ب ۲)

۵- کمال اتصال: جان یک نفس درنگ ندارد گذشتنی است (ب ۷) جمله دوّم در حکم عطف بیان است لذا نیازی به آوردن حرف وصل نیست.

ج) هنر آرایه‌های معنوی

۱- تضاد یا طباق: دروغزن و راستگوی / گره زن و گرگشما / درنگ و شتاب / درد و دوا

۲- ایهام: تو پرتو صفایی از آن بارگاه انس (ب ۳): تو خطاب به باد صبحدم است ایهامی هم به «روح» دارد که آن نیز جلوه‌ای از عالم بالاست.

۳- تجرید: این دردها که بر دل خاقانی آمده است یک یک نگر که بهر دوا می فرستمت (ب ۸)

صبحدم و آفتاب / نامه و فرستادن / انس و صفا / قبا و زره / زرین و زره / دست و جان / دست، رشته و گره / جان و هوا / جان و نفس

■ غزل حافظ

الف) هنرهای علم بیان

۱- تشبیه:

- تشبیه بلیغ یا رسا: هدهد صبا / لشکر غم / ملک دل

۲- استعاره: آئینه خدای نما استعاره مصرّحه از دل است. / خاکدان استعاره مصرّحه از دنیا

۳- کنایه: آشیان وفا کنایه موصوف ایما از منزلگاه معشوق

ب) هنرهای علم معانی

۱- اخبار جهت اظهار بشارت و انبساط خاطر

ای هدهد صبا به سبا می فرستمت / بنگر که از کجا به کجا می فرستمت (ب ۱)

۲- امر در بیان آرزو و تمنا: ساقی بیا که هاتف غییم به مژده گفت (ب ۹)

۳- کمال اتصال:

در راه عشق مرحله قرب و بعد نیست / می‌بینمت عیان و دعا می فرستمت (ب ۳)
 رابطه جملات به صورت علّت و معلولی است.

ج) هنر آرایه‌های معنوی :

۱- پارادوکس یا تناقض نمایی : می‌بینمت عیان و دعا می‌فرستمت (ب ۳)

ای غایب از نظر که شدی همنشین دل (ب ۴)

۲- ایهام : حیف است طایری چو تو در خاکدان غم (ب ۲) : طایر ایهام به «روح»

و خاکدان هم ایهام به «جسم» دارد

۳- تضاد با طباق : قرب و بعد / صبح و شام / درد و دوا

۴- تلمیح :

ای هدهد صبا به سبا می‌فرستمت بنگر که از کجا به کجا می‌فرستمت (ب ۱)

اشاره به جریان مرغ سلیمان (هدهد، پوپک یا شانه به سر) و پیام‌آوری او از سلیمان به ملکه سبا

(بلقیس) دارد که در سوره نمل آیه ۲۸ آمده است : اذهب بکتابی هذا فالتقه اليهم ثم تول عنهم

فانظر ماذا يوجعون

هر صبح و شام قافله‌ای از دعای خیر در صحبت شمال و صبا می‌فرستمت (ب ۳)

تلمیح دارد به آیه ۱۱ سوره سبا : وسلیمان الريح غدوها شهر و رواحها شهر

- ای غایب از نظر که شدی همنشین دل (ب ۶) تلمیحی به آیه ۲۰ سوره نمل دارد.

و تَفَقَّدِ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ أَرَى الْهُدَّادَ كَأَن كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ

بشتاب هان که اسب و قبا می‌فرستمت (ب ۱۰) : اشاره دارد به آیه ۳۵ سوره نمل : وانی مرسله

بهديّة فناظره بم يوجع المرسلون و تلمیح دارد به رسم کهن که چون بزرگان کسی را به

مجلس خود دعوت می‌کردند برای احترام و بزرگداشت او اسب و قبا می‌فرستادند.^(۱)

۵- تجرید :

حافظ سرود مجلس ما ذکر خیر تست بشتاب هان که اسب و قبا می‌فرستمت (ب ۱۰)

۶- تناسب یا مراعات‌النظیر : هدهد و سبا / طایر و آشیان / قرب و عیان / صبح و دعا / لشکر و

ملک / دل و غم / دل و جان / لشکر و نوا / دعا و ثنا / صنع و خدا / مطرب، قول، غزل، ساز، نوا

و شوق / هاتف و مؤده / اسب و قبا

۵- سطح فکری (Intellectual level)

■ غزل خاقانی

- ۱- غزل عاشقانه است .
- ۲- غزل غم گراست هرچند سرآغاز غزل حکایت از امید و شادی دارد ولی آن بسیار کم رنگ است و در نهایت یأس و ناامیدی و غم و اندوه که یکی از مختصات سبکی غزل خاقانی است بر فضای شعر سایه انداخته است .
- ۳- غزل فراقی است .
- ۴- معشوق هر چند زمینی است ولی مقام والایی دارد (۱ و ۳)
- ۵- غزل دارای مضمون واحدی است و این یکی از ویژگیهای سبکی غزل خاقانی است. شاعر در غزل خود از «صبحدم» که از عناصر مضمون‌ساز و قابل توجه اوست ^(۱) به عنوان پیک و قاصدی ^(۲) یاد می‌کند که می‌تواند نامه سر به مهر وی را به منزلگاه معشوق برساند. در این غزل خاقانی گاهی از عناصری استفاده کرده است که لحن حماسی دارند تا غزلی:
ز رین قبا زره زن از ابر سحرگهی کانجا چو پیک بسته قبا می فرستمت (ب ۳)
۶- از جمله باورهای طرح شده در غزل «تأکید بر رازداری صوفیانه» است :
این سر به مهر نامه بدان مهربان رسان کس را خیر مکن که کجا می فرستمت (ب ۲)
۷- خاقانی باد صبا را دروغگو و صبحدم را راستگو می‌داند.
باد صبا دروغزن است و تو راستگو (ب ۴) حافظ نیز پیک صبا را به پریشان‌گویی متهم کرده است :

۱- بسامد بالایی این عنصر و صبح خیزی خاقانی حکایت از «شاعر صبح» می‌کند :

چون صبحدم عید کند نامه گشایی / ۶۲۳ صبحدم چون کله بندد آه دودآسای من / ۴۷۶ صبحدمان دوش خضر بر درم آمد بتاب / ۷۰ غزل ۲۴۸ از دو عالم دامن جان در کشم هر صبحدم / مرا صبحدم شاهد جان نماید / ۲۱۸ و ...

۲- در غزلیات دیگر نیز از «صبحدم» به عنوان صاحب خیر و رسول یاد می‌کند :

من بودم و او و صفت حال من و او صاحب خیران صبحدم و باد صبا بود
غ / ۱۸۴

رسول من سوی تو باد صبحدم باشد از آن قبل نفس باد صبحدم سرد است .
غ / ۲۹

نشان یار سفر کرده از که پرسم باز که هرچه گفت برید صبا پریشان گفت

■ غزل حافظ

۱- غزل عاشقانه است .

۲- غزل شادی‌گراست همه ابیات غزل حکایت از امید و شادی دارند.

۳- غزل فراقی است .

۴- عشق مجازی است و معشوق هم جلوهٔ دنیوی ولی منزلت و مقام ارجمندی دارد.

۵- غزل حافظ نیز همانند غزل خاقانی متحدالمضمون است. اندیشه طرح شده در غزل ارسال پیام عاشق (حافظ) است که منزلگاه معشوق (سبا) توسط «باد صبا» با عنایت به داستان حضرت سلیمان و ملکه شهر سبا که برای اولین بار ههد از جانب حضرت سلیمان به ملکه سبا پیغام می‌برد.

۶- حافظ در بیت پنجم به یک رسم و آیین لشکرکشی در گذشته اشاره می‌کند که در آن برای اینکه پادشاه از اطاعت و فرمانبرداری دشمن اطمینان داشته باشد. دشمن کسی یا کسانی را که نزد او بسیار عزیز بودند نزد پادشاه گروگان می‌گذاشت^(۱) و در مقطع غزل نیز به یک باور کهن اشاره کرده که اگر بزرگان کسی را به محفل خویش دعوت می‌کردند جهت تعظیم مهمان اسب و قبا نزد او می‌فرستادند :

«بشتاب هان که اسب و قبا می فرستمت»

نتیجه

چنانکه ملاحظه شد از نظر فرم و ساختار، غزل خاقانی هشت بیت دارد و به مصداق غزل نزدیکتر است تا غزل حافظ که ده بیتی است و تخلّص در هر دو غزل در بیت آخر آمده است. تکرار کلمات قافیه در حشو ابیات غزل در خاقانی چهار بار و در حافظ یک بار صورت گرفته است. و از نظر موسیقی درونی و آرایه‌های لفظی فرق بین و آشکاری میان دو غزل وجود ندارد. ولی تخفیف و تکرار واژگان در غزل خاقانی نمود بیشتری دارد .

از حیث واژگان درصد کلمات عربی در غزل حافظ (۳۶٪) به مراتب بیشتر از غزل خاقانی (۱۷٪) است. از نظر نحوی با توجّه به اینکه ردیف غزلها فعلی است اغلب جملات دستورمند است .

از لحاظ ترکیبات و مختصات سبکی قدیم هم اختلاف فاحشی میان دو غزل وجود ندارد. در سطح ادبی، غزل خاقانی از حیث نوع تشبیهات و استعاره و کنایه نسبت به غزل حافظ غنی‌تر است. و از نظر علم معانی تفاوت چندانی میان غزلها نیست ولی از نظر آرایه‌های معنوی، پارادوکس - که از مختصات سبکی غزل حافظ است - و تلمیح در غزل حافظ مصداق بیشتری دارد.

از نظر سطح فکری اندیشه خاقانی محدود است و معشوق و دل‌بند او جلوۀ زمینی دارد ولی اندیشه حافظ بلند و وسیع است و لذا معشوق او نیز گاهی جلوۀ زمینی و گاهی جلوۀ آرمانی دارد. در غزل خاقانی گاهی ابیات لحن حماسی دارند تا تغزلی

«زَریں قبا زره زن از ابر سحرگهی
کانجا چو پیک بسته قبا می فرستمت»

فهرست منابع و مآخذ:

- ۱- آشنایی با عروض و قافیه، دکتر سیروس شمیسا، فردوس، چاپ اول، ۱۳۶۶.
- ۲- ایهامات دیوان حافظ، طاهره فرید، طرح نو، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- ۳- بررسی سبک شناسانه اقتفا‌های حافظ از سعدی، پایان نامه کارشناسی ارشد، جعفر رهایی، دانشگاه علامه، ۱۳۷۵.
- ۴- بیان و معانی، دکتر سیروس شمیسا، فردوس، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- ۵- پند و پیوند، دکتر میر جلال الدین کزازی، قطره، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- ۶- جناس در پهنه ادب فارسی، دکتر جلیل تجلیل، مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۱.
- ۷- حافظ نامه، بهاء‌الدین خرمشاهی، علمی و فرهنگی، سروش، چاپ سوم، ۱۳۶۸.
- ۸- سبک خراسانی در شعر فارسی، دکتر محمد جواد محبوب، فردوس - حسابی، چاپ اول، ۱۳.
- ۹- سبک‌شناسی (کلیات)، دکتر سیروس شمیسا، فردوس، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
- ۱۰- شرح غزل‌های حافظ، دکتر مایل هروی، نشر سیم‌رغ، چاپ چهارم، ۱۳۷۵.
- ۱۱- شرح غزل‌های حافظ، دکتر خلیل خطیب رهبر، صفی‌علیشاه، چاپ سوم، ۱۳۶۵.
- ۱۲- شناخت شعر، دکتر شاه حسینی، هما، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
- ۱۳- فرهنگ لغات و تعبیرات دیوان خاقانی، دکتر سجادی، زوار، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- ۱۴- فرهنگ‌نامه شعری، دکتر عفیفی، سروش، چاپ اول، ۱۳۷۲.
- ۱۵- فنون بلاغت و صناعات ادبی، جلال همایی، توس، چاپ سوم، ۱۳۶۴.
- ۱۶- کلک خیال‌انگیز، دکتر پرویز اهور، اساطیر، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
- ۱۷- گزارش دشواری‌های دیوان خاقانی، دکتر میر جلال الدین کزازی، مرکز، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- ۱۸- لغت‌نامه دهخدا
- ۱۹- معانی و بیان، علامه همایی به کوشش ماهدخت همایی، هما، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- ۲۰- موسیقی شعر، دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، آگاه، چاپ اول، ۱۳۵۸.